

تا ابد که نمی‌شود فلسطینیان را سرکوب کرد!

«مضحک است که تل‌آویو فکر می‌کند با زور تفنگ می‌تواند میلیون‌ها فلسطینی خواستار آزادی را تا ابد سرکوب کند. رنج سرکوب و شوق آزادی به نبوغ و تدبیر منجر می‌شود و حماس با استفاده از غفلت نظامیان اسرائیلی، طرح مدبرانه‌ای را علیه آنها پیاده‌سازی کرد.»

به گزارش سایت خبری پرسون، شلومو بروم، ژنرال بازنشسته رژیم صهیونیستی که سابقه معاونت مشاور امنیت داخلی این رژیم را در کارنامه دارد، در مطلبی برای نشریه اکونومیست به شرح دلیل شکست رژیم صهیونیستی پرداخته و نوشت: «اسرائیل با یک بحران بی‌سابقه روبه‌روست. دولتی که برای حفظ منافع یهودیان تشکیل شد، در حفظ جان مردم خود در نزدیکی نوار غزه شکست خورد. اسرائیل با تمام قوای نظامی خود توسط حماس که منابع به‌مراتب محدودتری نسبت به تل‌آویو دارد، غافلگیر شد.

تل‌آویو معمولاً حملات حماس را با حمله هوایی و راکتی به مواضع این گروه پاسخ می‌دهد، اما این بار به نظر می‌رسد که اسرائیلی‌ها به این حد از واکنش راضی نخواهند شد. آن‌ها از کابینه بنیامین نتانیاهو و ناتوانی‌اش در دفاع از منافع تل‌آویو خشمگین بوده و نیروهای مسلح اسرائیل را به خیانت در وظایف خود متهم می‌کنند. بسیاری از اسرائیلی‌ها خواستار آن هستند که نیروهای مسلح اسرائیل یک بار برای همیشه تهدید فلسطینیان در غزه را از میان بردارند و نتانیاهو برای برآورده کرده این خواسته اسرائیلی‌ها، باید نیروهای زمینی خود را هم وارد میدان کند.

اما این کار تلفات انسانی فجیعی روی دست هر دو طرف گذاشته و اسرائیل را وارد مناقشه‌ای می‌کند که دیگر طرف‌های آن علاوه بر حماس، کلیه جنبش‌های مقاومت هستند؛ از حزب‌الله لبنان گرفته تا سوریه و ایران.

علاوه بر این، در حال حاضر اسرائیل درگیر جنگ است و جریان‌های اپوزیسیون فشار چندانی به نتانیاهو و کابینه‌اش وارد نمی‌کنند، اما در صورت آرام‌شدن شرایط، اسرائیلی‌ها بی‌شک "بی‌بی" (نتانیاهو) را وادار به پاسخگویی خواهند کرد.

اسرائیل در پی چند شکست سیاست خود در قبال فلسطین به این روز افتاده است. وقتی حماس در ۲۰۰۷ کنترل نوار غزه را به دست گرفت، کابینه اسرائیل با انتخابی میان استراتژی‌های سیاسی و نظامی مانده بود. در راهکار سیاسی، اسرائیل باید حماس را به‌عنوان یک قدرت سیاسی بزرگ فلسطین به رسمیت می‌شناخت؛ در کنار سازمان فتح. در این صورت، هر کابینه‌ای در اسرائیل که به دنبال حل‌وفصل مناقشه با فلسطین بود، باید علاوه بر مذاکره با حماس، تنش‌های میان فتح و حماس را هم از بین می‌برد.

گزینه دیگر این بود که اسرائیل پیوسته حماس را تضعیف کرده و به تشکیلات خودگردان فلسطین که زیر نظر سازمان فتح فعالیت می‌کند، بال‌ویر دهد.

از ۲۰۰۹ تا امروز، دولت‌های مستقر در تل‌آویو هیچ یک از این دو گزینه را انتخاب نکرده‌اند. نتانیاهو که مخالفت خود را با وجود کشوری به نام فلسطین علنی کرد، سازوکار سیاسی را با استراتژی "ایجاد تفرقه و حکومت" جایگزین کرد. هدف او تضعیف دولت فلسطین در رام‌الله در کرانه باختری و تقویت سلطه حماس بر نوار غزه بود. از نظر نتانیاهو، این بهترین راه برای جلوگیری از مطرح‌شدن راهکارهای سیاسی کارآمد بود.

بی‌بی در کابینه تازه خود این سیاست را تا حد افراطی آن دنبال کرد. او با احزاب افراطی ملی‌گرا و مذهبی ائتلاف کرده و آشکارا اعلام کرد که تل‌آویو هرگز اجازه وجود کشوری به نام فلسطین را نداده، به فلسطینیان تحت راهکار یک کشوری حقوق برابر نخواهد داد و به تصرف سرزمین آنان از طریق شهرک‌سازی‌ها ادامه می‌دهد. این سیاست باعث شد تا اکثر توان نیروهای مسلح اسرائیل به حفاظت از شهرک‌نشینان در کرانه باختری متمرکز شده و مرز اسرائیل با نواز غزه بی‌دفاع بماند.

بحران کنونی اسرائیل، نشان‌دهنده شکست این استراتژی است. این مضحک است که تل‌آویو فکر می‌کند با زور تفنگ و نهادهای امنیتی خود می‌تواند میلیون‌ها فلسطینی را که خواستار آزادی هستند، تا ابد سرکوب کند. مردمی که سرکوب شده‌اند، بالاخره علیه سرکوبگر قیام می‌کنند. رنج سرکوب و شوق آزادی به نبوغ منجر می‌شود و حماس در عملیات تازه خود در اسرائیل نبوغ زیادی در استفاده از غفلت اسرائیل به خرج داد.